

# سیاحان آلمانی که در عصر صفویه از ایران دیدن نموده‌اند

بقلم: دکتر سیروس شفق و دکتر مهدی روشن ضمیر

وروان در آید و حتی در این راه عده‌ئی بی‌شمار با وی همکاری می‌کنند که از آن جمله پروفیسور برتولد اسپولر **Bertold Spuler** را که در آن زمان درجه دانشیاری داشته باید نام برد. بجز ایشان افراد دیگری نیز عهده‌دار ترجمه بخشی از کتاب مزبور بوده‌اند و چون ترجمه مورد نظر بمدت ۵ نیمسال بعنوان مواد درسی در کلاس درس تدریس میشده لهذا تمام نقاط ضعف آن برطرف میگردد، در این مقاله از کتاب ترجمه شده نامبرده در بالا حداکثر استفاده بعمل آمده است.

در سیاحتنامه کمپفر با اصطلاحات اداری و قوانین کشور ایران در عهد صفویه بیش از همه برمیخوریم که این اصطلاحات را بدو زبان فارسی و ترکی بکار برده است. چنین تصور می‌رود که برگرداندن این اصطلاحات بزبان آلمانی کار آسانی نبوده است.

پروفیسور هینتس در ترجمه سیاحتنامه کمپفر در مقدمه کتاب بدو موضوع اشاره می‌کند: اول آنکه ترجمه کتاب مزبور را کار شرق شناسان جوانی که با وی همکاری داشته‌اند قلمداد نموده، دوم آنکه در ترجمه کتاب دخل و تصرفی جزئی شده و حتی الامکان بشرح کامل مطالب مبادرت گردیده است و اشتباهات مختصری را که کمپفر در نوشتن کتاب خویش مرتکب شده بکلی رفع نموده است و در حقیقت میتوان گفت که ترجمه سفرنامه وی دارای مطالب اصلی و مهم متن لاتین می‌باشد.

سفرنامه کمپفر ارزش فوق العاده تاریخی برای قرن شانزدهم و هفدهم ایران دارد که البته در ترجمه آلمانی آن با گرفتن کمک از منابع فارسی تکمیل آن مقدور گردیده است.

انگلبرت کمپفر در شانزده سپتامبر ۱۶۵۱ در لمگو **Lemgo** متولد شد، پدرش از کشیشان این شهر بوده است. وی در شهرهای لمگو، هاملن **Hameln**، لونه بورگ **Lüneburg**

تعداد منابع و مآخذی که درباره ایران نوشته شده و بچاپ رسیده است به هزاران جلد میرسد. ولی با وجود این معدودی از آنها دارای ارزش فوق العاده علمی است که از آن جمله میتوان کتاب «در دربار شاهنشاه ایران» تألیف سیاح آلمانی انگلبرت کمپفر را نام برد. مؤلف در خلال سالهای (۱۷۱۶ - ۱۶۵۱) میزیسته، کتاب وی توصیف کامل وزنده و قابل اعتمادی از دربار و کاخ سلطنتی شاه سلیمان در شهر اصفهان است و در واقع وضع دربار شاه ایران را در نیمه دوم قرن هفدهم تشریح می‌کند.

از شاه و وزیرش گرفته تا پائین ترین اعضاء کاخ سلطنتی مانند مشعلدار باشی بدون آنکه کسی را از قلم بیندازد همه را در کتاب خویش وصف کرده است. شرحی که کمپفر از کاخها و تفرجگاهها و حرمسراها و باغهای آن زمان به دست داده است چنان روشن و دقیق بیان گردیده که نقاط از بین رفته را میتوان بر مبنای (مبنای) نوشته‌های وی دوباره مجسم نمود. تشکیلات اداری دربار و ارتباط تشکیلات شرعی و عرفی با همدیگر مورد توجه این سیاح بوده است. زندگی اجتماعی مردم هیچوقت از نظر این سیاح دور نبوده و خواننده با مطالعه نوشته کمپفر وضع آنروز را در مقابل چشمان خویش مجسم مینماید.

این اخبار زنده که بر اصل مشاهده تدوین گردیده کتابی است که بزبان لاتین نوشته شده. در سال (۱۹۳۶ - ۱۹۳۵) پروفیسور والتر هینس **(Walter Hinz)** که در دانشگاه برلن مشغول تدریس بوده کتاب انگلبرت کمپفر را بعنوان مواد درسی برای رشته ایران شناسی انتخاب و در مدت چندین نیمسال به ترجمه آن مبادرت می‌کند تا اینکه در سال ۱۹۳۷ بدانشگاه گتینگن **Göttingen** دعوت می‌شود و بدین وسیله تا بهار سال ۱۹۳۸ بر روی ترجمه نارسا و خام کار می‌کند تا بصورت آلمانی ساده

و لوبك Lübeck ، تحصیل کرده است .

در هفده سالگی اولین سفر خود را به هلند می کند و در دانزیگ بعد از پایان تحصیلات دبیرستانی در دانشگاه آنجا به تحصیل فلسفه ، تاریخ و زبانهای خارجی جدید و قدیم مبادرت می نماید و در سال ۱۶۷۴ موفق بادمه تحصیل در تورن Thorn و کراکاو Krakau می گردد . در سال ۱۶۷۶ در شهر ورشو با فرستاده دربار ایران (ایلچی) بنام محمدحسین باقر آشنا می شود . کمپفر چهار سال از اواخر دوران تحصیل خویش را در کونیگسبرگ Königsberg به تحصیل طب و علوم طبیعی می پردازد و در سال ۱۶۸۰ بزادگاه خود یعنی شهر لمگو Lemgo برمیگردد و در همان سال با برادر خویش بنام آندره آس Andreas به شهر جنا Jena مسافرت می کند ولی بواسطه تنگدستی می بایستی ترك تحصیل می کرد ، در این موقع بانفاق برادر خویش از طریق هامبورگ به لوبك می آید و در آنجا از یکدیگر جدا می شوند .

کمپفر در سال ۱۶۸۱ در کونیگسبرگ موفق بادمه تحصیل می شود و بعداً به تبعیت از برادر خویش به سوئد مهاجرت می کند . از اوت سال ۱۶۸۲ در افسالا Uppsala و استکهلم Stockholm اقامت داشته و در آن موقع طرح دوستی با استاد معروف حقوق بنام پفن دورف S. Pufendorf می ریزد . در آن زمان کارل یازدهم که مردی جوان بود تدارکی برای مسافرت هیأتی بدربار شاه ایران می دید زیرا هدف اصلی وی روابط تجاری و تشویق شاه ایران علیه ترکان عثمانی بود ، در همین موقع بر اثر توصیه پفن دورف ، کمپفر بعنوان منشی و طبیب هیأت مزبور که ریاستش با لودویش فابریتیوس Ludwich Fabritius است پیشنهاد می شود . کمپفر دانشمند جوان آلمانی از فرصت استفاده نموده و پیشنهاد مزبور را با دل و جان می پذیرد زیرا وی مدتها تحصیلات خود را در زمینه هائی نموده بود که بدرد سیروسیاحت می خورد .

باید گفت که کمپفر اولین سیاح نبوده که در عصر صفویه بایران آمده بلکه در سال ۱۶۰۲ شخصی بنام گئورگ تکتاندر فان در یابل Georg Tectander van der Jabel بعنوان منشی محرمانه اولین سفیر آلمان در زمان ردولف دوم قیصر آن کشور بدربار شاه عباس اول فرستاده می شود ولی متأسفانه در گیلان بر اثر ابتلاء بمرض وبا در ۲۵ اکتبر سال ۱۶۰۳ فوت می کند .

اولناریوس نیز یکی دیگر از سیاحانی است که بانفاق هیأتی دومسافرت مهم یکی در سال ۱۶۳۳ بسکو و دیگری در سال ۱۶۳۶ از طریق مسکو بایران نموده ، هدف اصلی این هیأت که از هولشتاین بروسیه و ایران اعزام میگردیدند ایجاد روابط تجاری با آن دو کشور بوده است .

اولناریوس از معلومات و هوش سرشاری برخوردار بوده

بطوریکه گوته شاعر معروف آلمانی در دیوان شرقی بکرات به ستایش و تمجید نامبرده پرداخته و از وی به نیکی یاد کرده است . اولناریوس از خود سفرنامه پرارزشی بیادگار گذاشته که هم از نظر کیفی و هم از نظر کمّی درخور تحسین می باشد . تا امروز ترجمه های بی شماری از سفرنامه وی بزبانهای مختلف فراهم شده و چاپهای متعددی از آن بعمل آمده است . وی تجزیه و تحلیل عاقلانه و واقع بینانه ای در سیاحتنامه خود نموده و آن را به زبان آلمانی قدیم نوشته ولی با وجود این در سراسر کشورهای اروپائی مخصوصاً آلمانی زبان بوفور گسترش یافته و کمتر کسانی پیدا می شوند که سیاحتنامه مزبور را نشناسند .

علاوه بردقتی که در سفرنامه وی مشاهده می گردد چون نامبرده نقاش چیره دستی بوده توانسته با مهارت خاصی وضع اجتماعی و جغرافیائی ایران را تا حدودی بر خوانندگان روشن نماید . ناگفته نماند نقاشی هائی که از وی بیادگار مانده ارزش جغرافیائی تاریخی فوق العاده ای دارد . در سفرنامه اولناریوس اشعار و حکایات و ضرب المثل های فارسی مخصوصاً از سعدی بخط فارسی بسیار آمده است . هنگامی که اولناریوس عازم ایران بود جوانی نجیب زاده از شلسویگ بنام یوحان البرشت فون ماندلسلو Johann Albrecht von Mandelslo همراه وی بوده است و این همان شخصی است که شاه صفی (۱۶۴۲-۱۶۲۹) میخواست او را با حقوق سالیانه ۷۵۰۰ تالر Taler در دربار خویش بکارگمارد ولی او تمایلی برای این کار نشان نمیدهد و بالاخره در ۳۱ دسامبر سال ۱۶۳۷ موقعی که هیأت هولشتاین اصفهان را بمقصد وطن خویش ترك می گفتند وی به سیاحت خویش بطرف جنوب تا سواحل خلیج فارس ادامه میدهد و بدینوسیله از اولناریوس جدا می شود و در این موقع بود که دوست و همراه وی یوهان واینبرگ Johann Weinberg بر اثر ابتلاء به مالاریا نتوانست با او همگام باشد و ماندلسلو Mandelslo از اول مارس ۱۶۳۸ به تنهایی عازم هندوستان گردید .

سیاحتنامه او کتابی است بنام سفرنامه مشرق زمین Morgen Ländische Reyse - Beschreibung که مطالب چندانی درباره ایران ندارد و انتشارش بتوسط اولناریوس در شلسویگ بسال ۱۶۵۸ صورت گرفته است .

هیأت دیگری از طرف تاجر هامبورگی بنام اوتوبر وگمان Otto Bruggman که ریاست آن بعهده شخصی بی تدبیر بود بایران اعزام می گردد . هیأت مزبور مرکب بودند از چهارده کارمند و هشت نجیب زاده جوان (Pagen) و چهارده مستخدم (Kammandiener) و هشت سرباز محافظ مسلح به نیزه و Hellebardier و ۵۰ خدمتگزار که شامل يك اکیپ دریانورد

۱ - يك تومان برابر با ۱۷/۵۰ تالر بوده است .

برای گذشتن از دریای خزر .

این سفر در ۲۲ اکتبر سال ۱۶۳۵ از هامبورگ آغاز می‌گردد و پس از تحمل رنج فراوان در سال ۱۶۴۰ به هولشتاین پایان می‌یابد . این‌ها چند نفر از سیاحانی بودند که قبل از انگلبرت کمپفر در مطالعات و تحقیقات ایران در زمان صفویه سهمی بسزا داشته و هر یک آثاری از خود بیادگار گذاشته‌اند .

## توقف کمپفر در ایران (۸۵ - ۱۶۸۳ میلادی)

سفیر سوئد با همراهانش از جمله کمپفر در ۲۰ مارس ۱۶۸۳ استکهلم را ترک گفت . در سوئد آوریل به آبو Abo رسید و پس از عبور از هلسینکفورس (هلسینکی امروز) Helsingfors و نروا Norwa بروسیه وارد شد .

کمپفر در دهم ژوئیه در مراسم رسمی که جهت تسلیم اعتبارنامه سفیر سوئد به تزار روسیه تشکیل یافته بود شرکت نموده و بدینوسیله به دربار آن کشور باریافت . در این زمان دو شاهزاده بسیار جوان یعنی ایوان و پتر<sup>۴</sup> بعنوان تزار در روسیه حکومت داشتند . هیأت نمایندگی سوئد بزودی پایتخت روسیه را ترک کرده و بوسیله کشتی از راه آبی ولگا بطرف دریای خزر روانه شدند . در هفتم ماه نوامبر ۱۶۸۳ به هشترخان وارد شدند . کمپفر از آغاز مسافرت خود مشغول نوشتن کتابی بزبان آلمانی شده و کلیه حوادث و اتفاقاتی را که ضمن سفر با آنها روبرو شده در آن مشروحاً ثبت کرده است . کتاب مزبور که بصورت سفرنامه است در موزه بریتانیای لندن محفوظ میباشد . سفیر سوئد و همراهانش در ۸ نوامبر همان سال برای رفتن بحضور شاه ایران هشترخان را ترک کرد . در این سفر سفیرای کشورهای روسیه و لهستان نیز همراه این هیئت بودند .

سفیرای نامبرده در ۱۷ دسامبر به شماخی ، مرکز شیروان که در آذربایجان حتی تا زمان قاجاریه جزو کشور ایران بود ، رسیدند . در اینجا هیأت مزبور مدت یک ماه انتظار باریافتن بدربار اصفهان را کشیده و پس از آنکه این اجازه از دربار صادر شد بسوی پایتخت صفویه حرکت کردند .

کمپفر از توقف یک ماهه خویش در شیروان استفاده پژوهشی کرده و در اطراف و نواحی آن محل گردشهای تحقیقاتی کرده و گزارشاتی تهیه نمود . از جمله منطقه نفتخیز باکو را نیز از نزدیک دیده و شرح جامعی درباره وضع جغرافیائی و اقتصادی آن ناحیه نوشت . بجزرات میتوان گفت که کمپفر اولین کسی است که درباره این منطقه نفتخیز یادداشت‌هایی علمی از خود بیادگار گذاشته است .

هیأت نامبرده در ۱۴ ژانویه ۱۶۸۴ شماخی را ترک کرده و یک ماه بعد به رشت و سپس به قزوین رسیدند . از نکات جالبی که در این سفر برای کمپفر اتفاق افتاده است این بود که در

کاروانسرای که برای توقف آنان آماده کرده بودند نام آدام اولتاریوس Adam Olearius همشهری خود را که برسم یادگاری بروی دیوار نوشته بود ملاحظه مینماید .

سفیرای نامبرده و همراهانشان پس از توقفی کوتاه قزوین را ترک نموده و بعد از گذشتن از ساوه ، قم ، کاشان و نطنز بالاخره بمقصد خود اصفهان نزدیک شده و در ۲۹ مارس ۱۶۸۴ (یک هفته پس از نوروز سال ۱۰۹۶ هجری) بدان شهر وارد می‌شوند .

کمپفر که تشنه اطلاعات جدید درباره اوضاع اجتماعی و جغرافیائی ایران بود از توقف در اصفهان حداکثر استفاده را کرد و با بازدید از نقاط مختلف شهر و تماس با طبقات مختلف مردم یادداشتهای بسیار دقیق و ذیقیمتی تهیه و حتی اسامی کوهها و ارتفاعات محلی را نیز ضبط نموده است . ضمن این یادداشتهای اسامی کلیه بناهای مهم از جمله مدارس ، کاروانسراها و غیره را در کتاب خود آورده است .

مدت اقامت کمپفر در اصفهان ۲۰ ماه بوده و در این مدت موفق شد بخش اول کتابی را که درباره گیاهان ایران<sup>۵</sup> نوشته بود تکمیل نماید .

از جمله یادداشتهای پرارزش کمپفر شرح کامل مشاغل و مناسب و سلسله مراتب اداری کارمندان و کارکنان درباری و کشوری ایران در قرن ۱۷ میلادی میباشد .

کمپفر برای کسب اطلاعات دست اول و تماس مستقیم با طبقات مختلف مردم از بدو ورود خود به اصفهان مشغول فراگرفتن دوزبان ملی و درباری آن زمان یعنی فارسی و ترکی شد و با کوششی که در این راه بکار برد موفق بفراگرفتن آن دو زبان گردید .

کسی که بیش از همه در فراگرفتن این زبانها به کمپفر کمک نمود یکی از کشیشان مسیحی بنام رافائل دومان Raphaël du Mans بود که در آن زمان ۳۸ سال از توفشش در شهر اصفهان میگذشت . رافائل که نام اصلی او ژاک دو ترتر Jacques Dutertre بوده اصلاً فرانسوی بوده و در سال ۱۶۱۳ در شهر مان Le Mans فرانسه متولد شده بود . این شخص در فوریه سال ۱۶۴۴ همراه جواهر فروش و سیاح معروف یعنی تاورنیه به حلب و بغداد مسافرت نموده و پس از آنکه وارد یکی از لژیون‌های مذهبی شد نام رافائل را پذیرفته و بزودی در لژیون ارمنی‌های اصفهان مقام ریاست را بدست آورد .

تونو Thévenot که در سال ۱۶۶۴ در ایران بوده ، پتی‌دولاکروا Petis de La Crois که توسط کلب Colbert وزیر لوئی چهاردهم بخاورزمین مأموریت یافته و در سال ۱۶۷۴ در اصفهان بسر میبرده و بالاخره شوالیه ژان شاردن Jean Chardin که از سال ۱۶۶۵ تا ۱۶۸۰ در ایران زندگی میکرد همه خود را مرهون راهنماییهای رافائل دانسته و بارها

از او بنیکی یاد کرده‌اند .

کمپفر نیز در نوشته‌های خود اغلب از رافائل و کمپهای پرارزش او سپاسگزاری نموده و از شخصیت علمی وی مطالب زیادی برشته تحریر در آورده است .

رافائل برای کمک به کمپفر یک کتاب دستور زبان ترکی نوشته و شش ماه بعد از اتمام آن یعنی در سپتامبر سال ۱۶۸۴ کتابی را که درباره ایران مینوشت به پایان آورد . کمپفر در کتاب خود بنام *Descriptio Persiae cemmunicata Dne Engelberto Kaempfero, Hispanae, 1684.* زبان لاتین که درباره ایران برشته تحریر در آورده است از کتاب رافائل استفاده شایانی کرده است .

رافائل غیر از علوم دینی در رشته‌های ریاضیات نیز دست داشته بطوریکه بسیاری از علمای دربار صفوی برای محاسبات خود آلات و ادواتی را که بدست او ساخته شده بود بکار می‌بردند .

کمپفر بواسطه آشنائی بزبان و آداب و فرهنگ ایرانیان اعتبار و محبوبیت خاصی در میان مردم پیدا کرده بود . شاه صفی با نامبرده آشنائی زیادی داشته و از وجود او در مذاکرات خود با سفرا و نمایندگان اروپائی بعنوان مترجم دربار استفاده میکرد .

## ادامه سفر کمپفر از سال ۱۶۸۵ تا ۱۶۹۴

پس از گذشت بیست ماه توقف در اصفهان ، کمپفر که از وجود یک اسکادران کشتی هلندی در خلیج فارس اطلاع داشت تصمیم گرفت از انجام وظیفه در سفارت سوئدکناره گیری کرده بسفرهای تحقیقی و ایده‌آلی خود بپردازد . پس از تماس با ناخدایان هلندی توانست بعنوان پزشک کشتی‌های آنان استخدام گردد .

کمپفر با قبول این شغل میخواست وسیله سفر به هندوستان که آرزوی دیدنش را داشت ، فراهم کرده باشد .

در دسامبر ۱۶۸۴ با فان هوی فل Van Heuvel رئیس شرکت هلندی مقیم اصفهان قراردادی بسته و بعنوان پزشک با استخدام شرکت هلندی درآمد . پس از امضاء قرارداد نزدیک یک سال در اصفهان مانده و بالاخره پس از انتظار زیاد و روز شماری در ۲۱ نوامبر سال ۱۶۸۵ از راه تخت جمشید و شیراز بطرف خلیج فارس رهسپار گردید . کمپفر در این سفر از شهر باستانی دارابگرد دیدن کرده و یادداشت‌های جالبی درباره نقش برجسته داراب که موضوع آن پیروزی شاپور اول بر امپراطوران روم میباشد برداشت .

کمپفر در سال ۱۷۱۲ در شهر لمگو نتیجه تحقیقات

و مشاهدات خود در دارابگرد را در کتابی بزبان لاتین تحت عنوان *Amoenitates exoticae* (آسیای شگفت‌آمیز) چاپ کرده منتشر نمود<sup>۴</sup> .

کمپفر برخلاف آرزوی قلبی خود که میل داشت هر چه زودتر به هندوستان برسد ناچار شده بود بنا بمیل و دستور رؤسای هلندی خود مدت‌ها در نواحی بسیار گرم جزیره هرمز و بندرعباس بانجام وظیفه اشتغال ورزد . از این امر بسیار ناراحت بوده و در نوشته‌های خود از این توقف اجباری شکایت نموده است . توقف کمپفر در این محل از تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۶۸۵ تا ۳۰ ژوئن ۱۶۸۸ بطول انجامید . از آن پس کمپفر بمسافرت ایده‌آلی خود پرداخته و به هندوستان و جاوه و ژاپن رفته و در اواخر سال ۱۶۹۴ به میهن خود آلمان بازگشت . کمپفر در هنگام توقف خود در ژاپن نیز تحقیقات جالبی نموده و گزارشات مهمی جمع‌آوری کرده است و بهمین سبب عده‌ای او را از جمله ژاپن شناسان پیشقدم نیز میشناسند .

کمپفر امیدوار بود که پس از بازگشت به میهن خود کتب و مقالاتی درباره سفرهای مشرق‌زمین خود بچاپ برساند ولی بواسطه مشکلاتی از جمله ناراحتیهای خانوادگی موفق بانجام آن نگردید . علاوه بر آن مطب وی همیشه شلوغ بوده و امر طبابت تمام وقت او را گرفته بود بهمین سبب بکارهای پژوهشی خود نمیرسید . چند ساعتی هم که پس از تعطیل مطب برای او باقی میماند ناچار بود در خدمت دونفر از اشراف محلی بنامهای گراف فن دتمولد Graf von Detmold و فریدریش آدولف Friedrich Adolf انجام وظیفه نماید .

کمپفر در هنگام اقامت در ایران و ژاپن نقاشیهای دقیقی کشیده بود تا در انتشار کتب خود از آنها استفاده نماید . اکنون ناچار بود برای چاپ نقاشیهای مزبور ابتدا آنها را بروی لوحه‌های مسی کلیشه نماید ولی تهیه آنها با مشکلاتی روبرو شد و مستلزم وقت زیادی بود .

در نامه‌ای که کمپفر بتاريخ اول نوامبر ۱۷۰۱ برای یکی از دوستان هلندی خود بنام پارو Parve به لیدن مینویسد بدین امر اشاره میکند که مدت‌ها است مشغول تدوین کتابی بنام «دیدنیهای کشورهای خارجه *Curiositates exoticae*» میباشد . وی در این نامه شکایت میکند که مدت دو سال است که چاپ

۲ - این شاهزاده بعدها بنام پتر کبیر معروف گردید .

۳ - *Plantarum Persicarum rudis tam delineatio quam descriptio Tom I 1685, Mens. May.*

۴ - نقل از کتاب « آثار و پژوهش‌های ایران باستان » Altiranische Funde und Forschungen اثر پرفسور دکتر والتر هینتس ، ص ۱۴۵ .

کتابش بتأخیر افتاده و هنوز نتیجه آن معلوم نیست. کمپفر در این نامه علت عدم چاپ را در مشکلات تهیه کلیشه‌ها میدانند. از طرفی مسافرت وی به هلند جهت تهیه کلیشه‌ها بواسطه نداشتن وقت امری واهی بود لذا ناچار شد که از استادان محلی برای تهیه کلیشه‌ها و متون خطی فارسی و ژاپنی استفاده کند. ولی متأسفانه این آزمایش نتیجه بدی داد چون استادان محلی هنوز تجربه کافی در این زمینه نداشتند. سالها سپری شد ولی باز هم کمپفر موفق بچاپ وانتشار گنجینه ره آورد خود یعنی سفرنامه‌اش نشد. یادداشتهای وی سالها درون چند صندوق روی هم انباشته شده و رو بنابودی میرفت.

کمپفر در جائی مینویسد: «یادداشتهای من تا این اواخر درون این صندوقها دفن شده بودند تا اینکه چندی پیش هنگام فراغت چند ساعتی وقت پیدا کرده توانستم نسخه‌های خطی را که در اثر گذشت زمان گرفتار کرم خوردگی شده و در اثر رطوبت مقداری از کلمات و جملات آنها محو شده بود از نابودی کامل نجات دهم».

بالاخره انتشار سفرنامه کمپفر که بزبان آلمانی نوشته شده بود بدین طریق صورت گرفته است:

مؤلف ابتدا آنرا بزبان ادبی لاتین برگردانیده و مطالبی هم از سفرنامه‌های مؤلفین قدیمی چون دلا واله Della Valle تاورنیه Tavernier، شاردن Chardin و غیره اقتباس کرده و سپس مقدمه‌ای بشرح زیر بدان افزود:

«من تنها تخیلات رؤیائی خود را بروی کاغذ نیاورده‌ام یعنی نوشته‌های من کاریک‌نویسند پشت میز نشین و فانتزی‌نویس نیست بلکه من آنچه را می‌نویسم یا تازگی دارد و یا آنکه پیشینیان آنها را بطور کامل ننوشته‌اند. بعنوان یک مسافر محقق راه دیگری برای من غیر از دقت کامل در آنچه میدیدم و برای ما تازگی داشت موجود نبود...»

این اثر بزرگ که در حدود ۹۰۰ صفحه بود بالاخره پس از گذشت ۱۷ سال از مراجعت کمپفر به میهنش یعنی در سال ۱۷۱۲ در شهر لمگو بچاپ رسید.

کمپفر ۴ سال بعد در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۷۱۶ در سن ۶۵ سالگی جهان را بدرود گفت.

کتاب مزبور شامل پنج جلد و بیشتر آن درباره ایران است بدین ترتیب که جلد اول و چهارم آن تماماً وبخشهای زیادی از جلد دوم و سوم مختص ایران میباشد یا بهتر گفته شود از ۶۱ بخش این پنج جلد ۴۳ بخش آن راجع به ایران و بقیه درباره ژاپن نوشته شده است.

کمپفر در جلد دوم کتاب مطالب جالب و ارزنده‌ای درباره نواحی دریای مازندران از جمله باکو آورده است که در آن زمان برای مردم دنیا کاملاً تازگی داشت. در این جلد مطالبی هم راجع به تخت جمشید، مقابر شاهان هخامنشی و آرامگاه سعدی

و حافظ و منار شاخ‌گوزن اصفهان بمان آورده است. وی در جلد سوم کتاب کوشش کرده است که شمه‌ای درباره عقاید مردم ایران و تجربیات آنان در علم پزشکی بنظر خوانندگان برساند. جلد چهارم کتاب نامبرده بیشتر درباره کشت خرما و نژاد نخل‌های ایران بوده و بالاخره جلد پنجم بخصوص بخشهای آخر آن مختص کشور ژاپن میباشد.

سون هدین Seven Hedin در کتاب «آثار نابود شده»<sup>۵</sup> که بزبان آلمانی نوشته شده نام تمام اروپائیان را که در قرنهای ۱۶ و ۱۷ به ایران سفر نموده و درباره این کشور قلمفرسائی کرده‌اند ذکر کرده است ولی جای تعجب است که نام کمپفر جزو آنان دیده نمیشود.

اولین بار شخصی بنام کارل مایر لمگو Karl Meier - Lemgo درباره کمپفر و سفرنامه‌اش داد سخن داده و باعث معرفی این ایران‌شناس معروف آلمانی گردیده و نام او را در کشور آلمان معروف خاص و عام نمود.

همانطور که در بالا بدان اشاره شد درباره ایران قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی کتب زیادی توسط جهانگردان اروپائی منتشر گردیده است ولی با جرأت میتوان سفرنامه کمپفر را یکی از بهترین آنها دانست.

بزرگترین و مهمترین سفرنامه‌های اروپائیان قرن هفدهم متعلق به شاردن میباشد که اهمیت آن بدان پایه بوده که گوته شاعر مشهور آلمانی در آثار خود از آن بنیکی یاد کرده است. با وجود این لانگله Langlés انتشار دهنده کتاب ده جلدی شاردن هنگام چاپ آن از مطالب سفرنامه کمپفر استفاده کرده و مطالب زیادی از یادداشتهای شاردن را از روی آن اصلاح کرده است.

متأسفانه کمیابی و املاء سخت لاتینی سفرنامه کمپفر باعث شده بود که این اثر پر ارزش در کتابخانه‌ها بدون استفاده مانده کم‌کم از یاد برود.

کارل مایر لمگو یکبار بخشهایی از این سفرنامه را بزبان آلمانی ترجمه کرده منتشر نمود. نامبرده فقط موفق شد هشتاد صفحه از جلد اول را ترجمه و منتشر کند علت آن هم بطور یقین اشکال در ترجمه آن بوده است. کمپفر در این اثر خود اغلب اصطلاحات ایرانی را بخط فارسی یادداشت نموده که خود بخود برای کسانی که به خط و زبان فارسی آشنائی نداشته‌اند اشکال بزرگی بوده. مسلماً اگر ترجمه نامبرده با دقت مطالعه گردد اشتباهات زیادی در آن دیده خواهد شد. با وجود این بایستی اذعان کرد که متوجه نامبرده با عمل خود کارشایسته‌ای انجام داده و دست کم توانسته این اثر گرانبها را بدنیای علم و دانش عرضه نماید.